

فصل‌نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال دوازدهم، شماره چهل‌وهشتم، زمستان ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی، صفحات ۱۱۳-۱۳۰

نقش حزب داشناکسوتیون و کنشگران ارمنی در انقلاب مشروطیت ایران

هایک ساریان^۱

چکیده

مرکز ثقل و خاستگاه انقلاب مشروطه تبریز بود و به سرعت به دیگر نقاط ایران گسترش پیدا کرد و موجب شد تا دیگر اقوام و قومیت‌های ایران نیز در شکل‌گیری و پیروزی آن مشارکت داشته باشند. ارامنه از جمله اقوامی بودند که در مشروطیت ایران نقش آفرینی کردند. در این انقلاب حزب داشناکسوتیون ارمنی به رهبری پیرمخان پای به عرصه گذاشت و پیروزی آن را هموار کرد. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و اسناد انجام شده، به دنبال بازشناسی نقش ارامنه و احزاب ارمنی در مشروطیت ایران است. سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که حزب داشناکسوتیون و ارامنه چه نقشی در جریان مشروطیت داشته است؟ فرضیه مطرح در این پژوهش نیز آن است که حزب داشناکسوتیون و ارامنه قفقاز با وجود اینکه غیر ایرانی بودند، برای برقراری آزادی و همچنین کمک به دیگر هم‌کیشان ارمنی خود در ایران از هیچ تلاشی برای به ثمر رساندن انقلاب فروگذار نکردند، چون معتقد بودند برقراری مشروطیت در ایران به نفع تمامی ملت‌های منطقه است. داشناکسوتیون از طریق ارتباط با دیگر احزاب آزادیخواه اروپایی، صدای انقلاب ایران را به اروپا رساند. آنها علاوه بر انتقال تجارب حزبی و سیاسی، توانستند منابع مالی احزاب در ایران را از طریق اعانات و مساعدت‌ها برای تأمین تسلیحات نظامی برآورده سازند.

کلیدواژه‌ها: داشناکسوتیون، کنشگران ارمنی، مشروطیت، پیرمخان.

۱. مدرس زبان و ادبیات ارمنی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. haiksarin@gmail.com

تاریخ دریافت: ۰۱/۰۸/۲۵ تاریخ پذیرش: ۰۱/۱۱/۰۴

The Role of Dashnaktsutyun Party and Armenian Activists in Iran's Constitutional Revolution

Haik Sarian¹

Abstract

The constitutional revolution originally started in Tabriz and quickly spread to other parts of Iran and caused other ethnic groups and ethnicities of Iran to participate in its formation and victory. Armenians were among the ethnic groups who had contributions in Iran's constitutionalism. In this revolution, the Armenian Revolutionary Federation (Dashnaktsutyun Party) led by Yeprem Khan stepped in and paved the way for its victory. This research, which was carried out in a descriptive-analytical method and based on library sources and documents, seeks to recognize the role of Armenians and Armenian parties in Iran's constitutionalism. The main question of the current research is what role did the Dashnaktsutyun Party and Armenians play in the process of constitutionalism? Here, the hypothesis is that the Dashnaktsutyun Party and Caucasian Armenians, despite being non-Iranians, spared no effort to bring about the revolution in order to establish freedom and also help their fellow Armenians in Iran, because they believed that Constitutionalism in Iran is for the benefit of all the nations of the region. Dashnaktsutyun introduced the Iranian revolution to Europe through communication with other European libertarian parties. In addition to transferring factional and political experiences, they were able to fulfill the financial resources of parties in Iran through grants and assistance to provide military weapons.

Keywords: Dashnaktsutyun, Armenian Activists, Constitutionalism, Yeprem Khan.

1. Lecturer of Armenian language and literature at Isfahan University, Isfahan, Iran.
haiksarin@gmail.com

درآمد

انقلاب مشروطیت برآمده از افکار و اندیشه‌های گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه ایران بود که در مسیر اعتلای مبانی اجتماعی و سیاسی این سرزمین گام برداشته بودند. انقلاب مشروطیت همواره در تاریخ سیاسی ایران از ارزش و اعتبار فراوانی برخوردار است. با این حال بیشتر حوادث و رویدادهای تأثیرگذار بر پیروزی انقلاب مشروطیت مورد بررسی قرار گرفته است و وقایع بعد از پیروزی مشروطیت کمتر مورد توجه بوده است. به همین علت بعضی از عناصر اصلی تأثیرگذار بر شکل‌گیری مشروطیت به کلی از صحنه خارج یا فراموش شده‌است یا اینکه برخی افراد و گروه‌ها از وضع به وجود آمده سود جسته، وقایع را به نفع خود تبیین و تحلیل کرده‌اند.

در جریان انقلاب مشروطیت و روند به پیروزی رسیدن آن، اقشار مختلف جامعه و گروه‌های سیاسی از گرایش‌های متفاوت حضور داشتند، که از جمله آنها می‌توان به دو گروه عمده اشاره کرد: گروه اول، روحانیون و اقشار طرفدار آنها با گرایش‌ها مذهبی و گروه دوم، روشنفکران جامعه و همفکرانشان با گرایش‌ها غربگرایانه بودند. این دو گروه، قسمت اصلی کنشگران انقلاب مشروطیت در ایران را تشکیل می‌دادند. هدف مشترک آنها رهایی از استبداد حاکم بر کشور ایران و استقرار حکومت سلطنت مشروطه بر پایه عدالت بود. اما به غیر از این دو گروه، گروه‌های دیگری مانند ارامنه نیز بودند که افزون بر اهداف ذکر شده، با اهدافی دیگر با نهضت مشروطه همکاری کرده و در به پیروزی رساندن آن با گروه‌های ایرانی در یک سنگر به مبارزه پرداختند.

ارمنی‌هایی که در جریان مشروطیت در صف پیکارجویان قرار گرفتند، بیشتر از ارامنه قفقاز بودند که تجربه جنگ‌های چریکی با دولت عثمانی داشتند. این پیکارجویان بیشتر در قالب گروه‌های چریکی عضو حزب انقلابی دانشناکسوتیون ارمنی، فعالیت می‌کردند. حزب دانشناکسوتیون در آن زمان برای رهایی ارمنستان غربی که تحت سیطره عثمانی قرار داشت، فعالیت می‌کرد. این حزب به سبب امنیت و موقعیت راهبردی شهر تبریز، آنجا را مرکز فعالیت‌های حزب کرده، و در آنجا با اهداف مشروطه‌خواهان ایران آشنا شد. اهداف و ایدئولوژی مشروطیت با آرمان‌های حزب دانشناکسوتیون همسو بود؛

از این رو حزب برای رهایی ایران از زیر یوق استبداد و برقراری مشروطیت در ایران، تصمیم به همکاری با مجاهدین آزادیخواه مشروطه گرفت.

پژوهش حاضر بنا دارد، چگونگی همکاری حزب دانشناکسوتیون و پیرم‌خان، از رهبران گروه‌های فاتح در ایران، با دیگر مجاهدین مشروطیت را مورد بررسی قرار دهد.

پیشینه پژوهش

در خصوص همکاری ارامنه در مشروطیت ایران به‌ویژه رهبر پیکارجویان ارمنی، پیرم‌خان، پژوهش‌های مختلفی صورت پذیرفته است. بیشتر این پژوهش‌ها به صورت کتاب و مقاله منتشر شده است. از جمله به تازگی اسنادی نویافته از همکاری حزب دانشناکسوتیون با مشروطیت به دست آمده است. درباره این اسناد و همکاری ارامنه با نهضت مشروطه، مجموعه مقالاتی در شماره ۷۷ فصلنامه پیمان به قلم ططری (۱۳۹۵ش) با عنوان «معرفی و بررسی سندی نویافته از حزب دانشناکسوتیون»، خانلری (۱۳۹۵ش) «پیرم و انقلاب مشروطه» و مزینانی (۱۳۹۵ش) «ارامنه و انقلاب مشروطه ایران» به چاپ رسیده است. از جمله کتاب‌های منتشر شده در این زمینه نیز، می‌توان به کتاب *حماسه پیرم*، اثر آموریان (۱۳۵۴ش)، *ارامنه و انقلاب مشروطه ایران*، اثر بربریان (۱۳۹۷ش) و *حزب دانشناک و جریان نهضت مشروطه*، اثر مانوکیان (۱۳۸۹ش) اشاره کرد. در تمام این پژوهش‌ها، زمینه‌های پیوستن ارامنه به انقلاب، گروه‌ها و احزاب ارمنی فعال در مشروطیت، پیکارجویان ارمنی به‌ویژه پیرم‌خان، کری و نیکول دومان و به‌طور کلی توصیف وقایع زمان مشروطیت و ارتباط ارامنه با آن از اواسط قرن نوزده تا زمان این انقلاب مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر، سعی کرده به صورت تخصصی تصویر کامل‌تری از رشد سیاسی و فکری ارامنه و مشارکت آنها در انقلاب مشروطیت در بین سال‌های وقوع این انقلاب، فقط با محوریت عملکرد حزب دانشناکسوتیون ارائه دهد. همچنین پژوهش با تکیه بر اسناد منتشره در روزنامه‌های ارمنی، برخی ابهامات علیه پیرم‌خان را برطرف کرده است.

حضور ارامنه در انقلاب مشروطیت

در دوره مظفرالدین شاه قاجار، در نتیجه اعتراضات و مبارزات مردمی، جنبش

مشروطیت به پیروزی رسید. پس از پیروزی مشروطیت، برای اولین بار در تاریخ ایران، مجلس نمایندگان ملت در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ش، برابر با ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ با نام مجلس شورای ملی تأسیس شد (وره‌رام، ۴۷۹). مجلس شورای ملی تا پایان حکومت پهلوی دوم در سال ۱۳۵۷ش / ۱۹۷۹ ادامه داشت و بیست و چهار دوره قانون‌گذاری برگزار کرده است.

هسته‌های اولیه حضور آرامنه و پیوستن آنها به مشروطیت، زمانی شکل گرفت که منازعات دو جناح «مشروطه خواهان» و «مشروع خواهان» در باب حقوق اقلیت‌های دینی در مقابل همدیگر قرار گرفت (زرگری نژاد، ۱۴۹-۱۶۷). بحث چالش‌برانگیز این دو جناح بر سر تبعیض حقوق اساسی شهروندان بدون در نظر گرفتن عقاید و مذهب آنها بود. مشروطه‌خواهان و دولت مدافع حقوق اقلیت‌ها بودند (حایری، ۳۹۸). یکی دیگر از چالش‌های آرامنه، نداشتن نماینده در مجلس بود، چون در نظام‌نامه مجلس جایگاهی برای اقلیت‌ها پیش‌بینی نشده بود (خارابی، ۳۳۰-۳۲۹). به‌رغم رایزنی‌ها و درخواست‌های مکرر، در نهایت با حضور یک نماینده از طرف آرامنه در مجلس موافقت شد و یوسف میرزایان اولین نماینده آرامنه شد. آرامنه خواستار دو کرسی در مجلس بودند. پیرم‌خان و حزب دانشناکسوتیون از این مسئله پشتیبانی می‌کردند. آرامنه همچنین با مشکلاتی همچون محرومیت از مشاغل دولتی، خدمت سربازی و بعضی تبعیض‌های اجتماعی روبه‌رو بودند (جلالی، ۱۷). پس از کودتای محمدعلی شاه در ژوئیه ۱۹۰۸ و تعطیلی مجلس، خشم مردم تبریز شعله‌ور شد و به قیام انجامید. در سال ۱۹۰۹ روس‌ها به بهانه حمایت از اتباع خود و ایجاد امنیت وارد تبریز شدند، اما نیت آنها سرکوب قیام مردم و حمایت از رژیم قاجار و اشغال شهر بود. با اشغال تبریز توسط روس‌ها، مبارزان ارمنی تحت تعقیب با مشکلاتی چون مأمّن جدید روبه‌رو شدند، به‌همین رو به انقلاب پیوستند (همان، ۹۲-۹۱). اعلامیه‌ای که در دوره کوتاه سلطنت محمدعلی شاه توسط حزب دانشناکسوتیون صادر شده، به خوبی رویکرد ارمنیان را نسبت به مشروطیت ایران نشان می‌دهد. سند این اعلامیه که در بین مجموعه‌ای از اسناد خریداری شده توسط مرکز اسناد مجلس قرار داشت، در سال ۱۳۹۵ش بازیابی شد. از کلیدواژه‌های این اعلامیه می‌توان به نقض حقوق بشر، فشارهای اجتماعی



اقشار مردم، کمبود کارخانجات، راه‌آهن و علوم و صنایع در جامعه آن روز پی برد. نویسندگان این اعلامیه با استفاده از کلمه «هموطنان» به آنها هشدار می‌دهند: «هموطنان! ما ایرانیان روزهای تاریخی را طی می‌کنیم. مشروطیت ایران در معرض خطر است: شاه مخلوع...»؛ در فرازی دیگر، بار دیگر از این کلمه استفاده شده است: «هموطنان نباید فراموش کنیم که در این مدت زمان مشروطیت، رؤسا و اولیاء امور ما اشخاص مغرض سست عنصری بوده...»؛ در آخر نیز این اعلامیه نیز با سه جمله کلیدی: «پاینده باد اتفاق ملل، نیست باد استبداد و پاینده باد مشروطیت ایران» به پایان می‌رسد (ططری، ۸). از متن این اعلامیه چنین استنباط می‌شود که آرامنه بدون هیچ چشم‌داشت و توقع سیاسی به انقلاب پیوستند و با خطاب قرار دادن واژه هموطنان خود را جزو ملت ایران دانستند و پیروزی و استقرار حکومت غیراستبدادی را به نفع همه ملت قلمداد کرده‌اند.

۱- نقش کنشگران ارمنی در مشروطیت

با شکل‌گیری انقلاب مشروطه، آرامنه از انزوای تاریخی خود در حوزه‌های حقوق اجتماعی و سیاسی بیرون آمدند. آنها مصمم شدند تا در مبارزات دور دوم انقلاب مشروطیت پس از کودتای ۱۹۰۷ مشارکت مؤثری داشته باشند. این همکاری با پیوستن مجاهدین ارمنی به رهبری پیرم‌خان به انقلاب، نقطه عطفی برای آرامنه شد تا تأثیرگذاری بر مبارزات را به نفع خود تغییر دهند (هدایت، ۲۰۱). همچنین آرامنه در حوزه نهادسازی فعالیت‌های اجتماعی به‌ویژه حوزه بانوان با همکاری آن‌هایت همسر پیرم‌خان، نقش برجسته‌ای ایفا کردند (فتحی، ۷۱). به گفته روح‌الله رنجبر، شواهد و مدارک بسیاری از همکاری بانوان ارمنی در حوزه‌های علمی-فرهنگی و اجتماعی وجود دارد که نشان می‌دهد این همکاری‌ها مشوق بانوان مسلمان در چنین فعالیت‌هایی شدند، چون در آن ایام زنان مسلمان به دلیل موانع سنتی از فراگیری علم محروم بودند (روزنامه ایران‌نو، ۳۴). با ورود مبارزان حزب داشناکسوتیون از جمله «کری»^۱ به جمع مبارزان تبریز به

۱. کری (Keri)، از فدائیان مبارز حزب داشناکسوتیون و فرمانده گردان چهارم نیروهای داوطلب ارمنی بود. او در جنبش مشروطیت ایران و جنگ جهانی اول مشارکت داشت و در سال ۱۹۱۶ در یکی از جنگ‌ها در رواندوز عراق کشته شد.

رهبری ستارخان، نه تنها بر تعداد مبارزان ارمنی افزوده شده، بلکه موجب شد تا محلات ارمنی‌نشین به کانون مبارزه و حمایت از جنبش تبدیل شوند (مانوکیان، ۱۰۶-۱۰۹). از طرفی تعیین سرنوشت ایران برای ارامنه که بخشی از جامعه بودند، مهم بود؛ به همین رو ارامنه در تحولات سیاسی و اجتماعی کشور مشارکت کردند (جلالی، ۱۸). مشروطه‌خواهان نیز برای پیشبرد خواسته‌های خود به ورود جنگجویان ارمنی قفقاز امید بسته بودند؛ زیرا عقیده داشتند این نیروها تجربیات فراوانی در این نوع درگیری‌های محلی دارند. انقلابی‌های قفقاز نیز حق انتخاب نداشتند، چراکه بی‌تردید استقرار حکومت مشروطه به نفع ارمنیان بود (نیکوقوسیان، ۸۴). بر این اساس ارامنه انجمن «اتحادیه ارامنه تبعه ایران» را تشکیل دادند تا به اهداف مشروطیت خدمت کنند (نوابی، ۱۳۷-۱۳۹).

۲- اهداف و آرمان حزب داشناکسوتیون

حزب داشناکسوتیون یا حزب «فدراسیون انقلابی ارمنی»، یکی از احزاب بزرگ ارمنی بود که در سال ۱۸۹۰، با هدف حل مسئله ارامنه ساکن در ارمنستان غربی در شهر تفلیس تشکیل شد (Simonian, 385-386). داشناکسوتیون به معنی هم‌پیمانان، با رهبری کریستاپور میکایلیان^۱، سیمون زاواریان^۲ و استپان زوریان^۳ معروف به رستوم، ایجاد شد. این اشخاص در حقیقت از روشنفکران ارمنی و از تحصیل‌کردگان دانشگاه‌های معتبر اروپایی بودند که هسته اولیه این حزب را تشکیل دادند (مانوکیان، ۵۹-۶۴). ایدئولوژی حزب داشناکسوتیون، انقلابی، دموکراتیک و ملی‌گرایانه سستی بر مبنای اندیشه‌های سوسیالیزم بود، و هدف آن ایجاد ارمنستان آزاد، مستقل و متحد بود (اوهانیان، ۵۸-۵۹). «دروشاک» و «هنچاک» به عنوان روزنامه رسمی حزب معرفی شد و مانیفست معروف حزب که آزادی کامل ارامنه دربند عثمانی که درگیر مرگ و زندگی بودند، اعلام شد (Simonian, 387). خط‌مشی کلی و اهداف بلندمدت حزب داشناکسوتیون، آزادسازی کل سرزمین ارمنستان، یعنی ارمنستان شرقی تحت تصرف روس‌ها و ارمنستان غربی تحت اشغال امپراطوری

1. Chritapor Michaelian
2. Simon Zavarian
3. Stepan Zorian

عثمانی بود (جلالی، ۱۲۹). حزب داشناکسوتیون از زمان تشکیل از نظر سازماندهی و راهبردی به شاخه‌های مختلفی تقسیم شد. در دوران انقلاب مشروطیت در ایران، پیروزی و استقرار حکومت مشروطه و برچیده شدن استبداد در ایران از همه جهت به نفع ارامنه و ملت‌های همجوار با ایران بود؛ به همین رو حزب داشناکسوتیون تصمیم به همکاری با مشروطه‌خواهان ایران گرفت و برای پیشبرد این تصمیم، شاخه نظامی حزب را برای کمک به مجاهدان در جنگ‌های چریکی و محلی تأسیس کرد.

ارمنیان به سبب روابط با روس‌ها در مرزهای شمالی، آشنایی با روشن‌فکری سیاسی- اجتماعی روز اروپا و مواجهه با شکست‌ها و پیروزی‌ها در صحنه سیاست روسیه تزاری، خود را نسبت به دیگر ملل انقلابی مسئول می‌دانستند و می‌کوشیدند تا طعم شیرین مردم‌سالاری را به خود و دیگران بچشانند. هسته اصلی حزب داشناکسوتیون در روسیه تزاری شکل گرفت به همین دلیل زمانی که شاخه نظامی آن، در دوره استبداد صغیر، در کنار مجاهدان قرار گرفت، نقش مؤثری در عقب راندن نیروهای محمدعلی شاه و کسب پیروزی برای جبهه مشروطه‌خواه ایفا کرد (طبری، ۹-۸). ارامنه قفقاز قبل از ورود به ایران، در انقلاب ۱۹۰۵ روسیه حضور داشتند (بربریان، ۱۹). آزادخواهان قفقاز که در انقلاب بدفرجام ۱۹۰۵ روسیه با شکست مواجه شده بودند به ایران پناه آورده و با اشاعه افکار انقلابی، ملیون و میهن‌پرستان ایرانی را به مبارزه با رژیم استبدادی تشویق کردند (هوشنگ مهدوی، ۳۱۸-۳۱۷).

۳- موقعیت ارامنه و حزب داشناکسوتیون در آذربایجان

بیشترین فعالیت احزاب سیاسی ارامنه در اواخر قرن نوزدهم در ایران شکل گرفت. خاک ایران به قبله آمال انقلابیونی تبدیل شده بود که بسیاری از آنان از ارامنه قفقاز بودند. ارامنه قفقاز از نیمه دوم قرن نوزدهم به نام «فداییان» شناخته شدند. واژه فداییان برگرفته از اسلام و به معنی «از خود گذشتگان» است. فداییان ارمنی که عضو حزب داشناکسوتیون بودند، از خاک ایران به عنوان سکوی پرتاب برای انجام عملیات در استان‌های ارمنی‌نشین عثمانی استفاده می‌کردند (بربریان، ۹۴). بیشتر جمعیت ارامنه در

آذربایجان در شهرهای تبریز، سلماس و خوی ساکن بودند. در تبریز دو محله ارمنی نشین لیل آباد و قلعه قرار داشت. مقر حزب دانشناکسوتیون در لیل آباد بود. ارامنه تبریز بیشتر صنعتگر بودند و قدیمی ترین کلیسا در تبریز مربوط به سال ۱۷۸۹ بود. ارامنه همچنین در تبریز دارای مراکز فرهنگی-هنری و مدارس بودند (مانوکیان، ۱۰۶-۱۰۷). همانگونه که فرانسه برای انقلابیون ایتالیایی و بلغارستان برای انقلابیون مقدونیه مکانی امن محسوب می شد، آذربایجان نیز برای انقلابیون ارمنی پناهگاهی امن به حساب می آمد و از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. اعضای حزب دانشناکسوتیون در آذربایجان به فعالیت های انقلابی از جمله تهیه و تدارک اسلحه و مهمات نظامی برای گروه های چریکی خود پرداختند و آنها را به داخل مرزهای ارمنستان غربی انتقال دادند (Varandian, 123). تبریز به خاطر امنیت و آرامش و همچنین موقعیت استراتژیک خود، رفته رفته به مرکز اصلی فعالیت های حزب دانشناکسوتیون تبدیل شد، و حتی دو شماره از ارگان روزنامه دروشاک در آنجا به چاپ رسید (مانوکیان، ۱۱۳). انقلاب به ترکان جوان و «دانشناک ها» که از متحدان آنان بودند این فرصت را داد که با تجمیع نیروها و امکانات به کمک تبریزی ها بشتابند. رستم، یکی از رهبران حزب در دیداری که با ستارخان داشت به توافق رسید که علاوه بر مشارکت دانشناکسوتیون در خیزش تبریز به تهیه بمب و مین و تجهیز نیروهای مبارز تبریز فعالیت کند. آنان علاوه بر حضور در شورای فرماندهی، سازماندهی و نظم بخشیدن نیروهای مبارز را نیز بر عهده گرفتند و زیر نظر ستارخان فعالیت کردند (جلالی، ۱۳۶).

۴- توافقات اولیه دانشناکسوتیون با مشروطه خواهان

رستم، که از مؤسسين حزب دانشناکسوتیون بود، از طرف حزب به ایران آمد و با مشروطه خواهان وارد مذاکره شد. در این دیدار افرادی همچون وثوق الدوله نایب رئیس مجلس، مستشارالدوله و حاج میرزا آقاابراهیم نمایندگان تبریز و از سران انجمن های انقلابی (مانوکیان، ۹۶) و دو تن از مجتهدان تهران، یعنی آقایان سید عبدالله و سید محمد حضور داشتند (Varandian, 203). در جلسات متعدد که در بین سال های ۱۹۰۷ تا

۱۹۰۸ برگزار شد، مسائل مهم مورد بحث قرار گرفت و در نهایت دو طرف به توافق رسیدند. دانشناکسوتیون از مشروطه‌خواهان خواستار ضمانت کامل در مورد رشد مشروطیت در مقابل اقدامات شاه، حفظ تمامیت ارضی ایران در مقابل توافقات روس و انگلیس و خروج نیروهای ترک از مناطق آذربایجان شد (مانوکیان، ۹۸) و در مقابل دانشناکسوتیون متعهد شد از نفوذ و روابط خود در اروپا برای جلب و مساعدت دولت فرانسه از انقلاب مشروطیت استفاده کند (Varandian, 26). آنها همچنین متعهد شدند تا با در اختیار گذاشتن تجربه خود در زمینه مسائل توپخانه و آگاهی‌های نظامی و تأمین منابع مالی در تجهیز نیروهای نظامی و کمک به نیروهای ایرانی در جنگ‌های پارتیزانی همکاری همه‌جانبه داشته باشد (مانوکیان، ۱۰۲). در سال ۱۹۰۸ حزب دانشناکسوتیون مذاکراتی نیز با ستارخان داشت و با او در این موارد به توافق رسید: ۱- حزب تعهد می‌کند که رزمندگان خود را از قفقاز به تبریز اعزام کند و در خدمت مجاهدان قرار دهد؛ ۲- رزمندگان سلاح‌های خود را به همراه بیاورند؛ ۳- رزمندگان ارمنی متعهد می‌شوند تا آموزش‌های لازم نظامی و جنگی را در اختیار مشروطه‌خواهان قرار دهند و در مناطق استقرار خود به سازماندهی نیروهای مشروطه‌خواه پردازند (نیکوقوسیان، ۸۷-۸۶).

مشروطه‌خواهان تبریز و ارتباط آنها با حزب دانشناکسوتیون

محمدعلی شاه به تعهدات خود در قبال مشروطیت عمل نکرد و مجلس را به توپ بست. محیط سیاسی کشور روبه ناآرامی گذاشت و موجب خیزش مردم تبریز و سرآغاز اعتراضات مشروطه‌خواهان شد. در سال ۱۹۰۸ ستارخان رهبر رزمندگان مشروطه‌خواه توانست محل نگهداری سلاح‌های دولتی را به تصرف درآورد. در چنین شرایطی گروه‌های آزادیخواه به فداییان حزب دانشناکسوتیون درخواست همکاری دادند (مانوکیان، ۱۱۵-۱۱۶). با شدت گرفتن اعتراضات و شکل‌گیری انقلاب مشروطه، شعبه آذربایجان حزب دانشناکسوتیون و برخی رهبران آن مانند رستم، چگونگی مواجهه با این انقلاب را بررسی کردند (تکمیل، ۵۶). رستم در سال ۱۸۹۵ با گذرنامه ایرانی به عنوان تاجر، درحالی که سلاح حمل می‌کرد و قصد تجهیز حزب را داشت، وارد ایران

شده بود (آموریان، ۴۹). در کنگره چهارم سال ۱۹۰۷ حزب دانشناکسوتیون در ژنو، بعد از بررسی گزارش رستوم از اوضاع ایران و همچنین درخواست‌های مکرر انقلابیون از حزب برای پیوستن به نهضت مشروطیت، کنگره به این نتیجه رسید که چون نتایج این انقلاب در راستای منافع آرامنه خواهد بود، به نهضت ملحق می‌شود (Vratsian, 152-162). دانشناکسوتیون تصمیم گرفت با مشروطیت همراهی کند و در عوض خواسته‌هایی نیز داشت. این تصمیم باعث شد تا دانشناکسوتیون برای به دست آوردن پایگاه مطمئن در ایران، در کنار رزمندگان ایرانی در برابر سوداگران بیگانه قرار بگیرد (مانوکیان، ۹۳).

همکاری دانشناکسوتیون در خیزش گیلان

پس از اشغال تبریز توسط روس‌ها و پیروزی ترکان جوان هم‌پیمان دانشناکسوتیون در ترکیه، دانشناکسوتیون تصمیم گرفت نیروهای خود را به گیلان منتقل کند (جلالی، ۱۳۸). در آن ایام استبداد و خشونت از پایتخت به شهرهای سرحدی رسیده بود و سرکوب و دستگیری مشروطه‌خواهان نیز شدت گرفته بود؛ انجمن‌های آزادیخواه و احزاب یکی پس از دیگری بسته می‌شد (Elmar, 220). در چنین شرایطی پیرم‌خان به رشت رفت و مخفیانه کمیته «ستار» را به جای کمیته «جهانگیر» که متلاشی شده بود، تشکیل داد (همان، ۲۲۱). رهبری کمیته ستار را پیرم‌خان به دست گرفت. اعضای این کمیته از اقوام و گروه‌های مختلف تشکیل شده بود (جلالی، ۱۴۰). بعضی نام کمیته ستار را متأثر از نام ستارخان رهبر جنبش تبریز دانسته‌اند (روزنامه نسیم شمال، ش ۱۳۲۷: ۲۳) پیرم با راه‌اندازی کمیته ستار و ایجاد اتحاد بین اعضای دانشناکسوتیون و ایرانیان، آماده مبارزه شد. پیرم با سروسامان دادن اوضاع برای تهیه اسلحه و مهمات به قفقاز رفت (Elmar, 224). از مشکلات داخلی گیلان خطر شاهسون‌ها، تالشی‌ها و سپهدار تنکابنی بود، که تمامی این مشکلات از طریق مذاکرات پیرم با سران این طایفه‌ها حل و فصل شد و زمینه برای حرکت آماده شد (همان، ۲۲۷). پیرم و یارانش راه را برای فتح رشت مهیا کردند و در ۲۶ ژانویه ۱۹۰۹ به دارالحکومه حمله کرده بر رشت مسلط شدند.

فتح تهران و پیروزی مشروطیت

مجاهدین آزادیخواه به رهبری پیرم بعد از تصرف رشت به طرف قزوین حرکت کردند. در قزوین مستبدان دولتی که به خاطر تولد شاه به جشن و سرور پرداخته بودند با رسیدن مجاهدین به شهر، سراسیمه از شهر فرار کردند و بعد از آن جنگ بین نیروهای قرجه داغ و مجاهدین در گرفت و تا صبح ادامه داشت، که در نهایت با پیروزی مشروطه‌خواهان به پایان رسید (کسروی، ۲۴). محمدعلی شاه پس از شنیدن خبر تصرف قزوین هراسان شد و به نیروهای مشروطه‌خواه اعلام کرد حاضر به همکاری با مشروطه است؛ اما آزادیخواهان اعتماد خود را نسبت به شاه از دست داده بودند و تنها راه جلب اعتماد، اجازه ورود آزادیخواهان به تهران و بازگشایی مجلس بود. وقتی شاه از این طریق نتوانست نتیجه مطلوب بدست آورد، خواست تا از طریق اختلاف و نفاق بین گروه‌های آزادیخواه مانع ورود آنها به تهران شود. ولی این حربه شاه نیز با درایت پیرم‌خان و با ایجاد وحدت میان سران جنبش، خنثی شد و نیروها آماده ورود به تهران شدند (مانوکیان، ۱۷۳-۱۷۵). گروه‌های آزادیخواه در ۲۹ ژوئن ۱۹۰۹ به تهران رسیدند. مهمترین این گروه‌ها، ارامنه به فرماندهی پیرم‌خان و بختیاری‌ها به فرماندهی سردار اسعد بودند. معزالسلطان و عمیدالسلطان نیز با افراد خود همراه این گروه‌ها بودند (رائین، ۵۴). آزادیخواهان پس از رسیدن به تهران و تصرف مجلس در میدان بهارستان، به طرف ساختمان نیروهای قزاق حرکت کردند. در آنجا جنگ سختی بین ژنرال لیاخوف و گروه آزادیخواهان در گرفت. در نهایت پس مذاکره بین لیاخوف و مشروطه‌خواهان، لیاخوف تسلیم شد و مشروطه‌خواهان در تاریخ ۲۵ تیر ۱۲۸۸ به پیروزی رسیدند (کسروی، ۵۹).

اوضاع داخلی ایران در دوره مشروطیت

پس از پیروزی مشروطیت، فاتحان در تهران نهادی با نام «مجلس عالی» تشکیل دادند. این نهاد که از اقشار و گروه‌های مختلف تشکیل شده بود، اوضاع کشور را سروسامان داد و احمد میرزا را به جای شاه مخلوع به سلطنت و عضدالملک را به نیابت سلطنت برگزید. این نهاد همچنین سپهدار را به وزیر جنگ، سردار اسعد را به وزارت داخله و پیرم‌خان را به خاطر لیاقت و بروز کاردانی به سرپرستی نظمیه برگزید (جلالی، ۱۵۲).

گماردن پیرم‌خان بر نظمیه، موجب اصلاحاتی در ساختار آن شد. پیرم‌خان دوایری همچون کمیساریاها، کلاتری‌ها، گشت شبانه، پلیس مخفی، بریگاد ژاندارم و غیره تأسیس کرد و نظم و قانونی خاص در این اداره به‌وجود آورد. او همچنین نیروهای با تجربه ارمنی را در اداره نظمیه به خدمت گرفت (سازمان اسناد ملی ایران، ش ۲۵۳۱:۲۹۳۰:۷۱۴). اجرای قوانین توسط پیرم که در تقابل با بعضی از جریان‌های سیاسی و مذهبی بود، موجب تخریب این مبارز ارمنی در دوران پسامشروطیت شد. پیرم مجری قوانینی بود که از طرف دولت و مجلس به او ابلاغ می‌شد و بعضی گروه‌ها چون مورد اعمال قانون قرار گرفته بودند، برای تیرته کردن خود مسئولیت را بر دوش پیرم مسیحی می‌انداختند، در حالی که پیرم فقط مجری قوانین بود، نه بیشتر (جلالی، ۱۵۳). کمیته مرکزی حزب دانشناکسوتیون در تهران با مشاهده اوضاع پیش آمده از پیرم تقاضای کناره‌گیری از مناصب دولتی می‌کند، که این امر موجب اختلاف بین طرفداران و مخالفان پیرم در کمیته مرکزی حزب شد (آلیک، ش ۲۴۱۰۶: ۳).

۱- برقراری نظم عمومی پس از مشروطیت توسط پیرم

استقرار آرامش نسبی و سروسامان گرفتن اوضاع آشفته ایران، بالطبع خوشایند دولت روسیه تزاری نبود. دولت روسیه از اینکه یکی از اعضای دانشناکسوتیون به چنین مقامی در سازمان نظامی ایران رسیده، خشنود نبود. آنها او را تخریب کرده و «یاغی ارمنی» می‌نامیدند (مانوکیان، ۱۸۰). در همین اثنا، پیرم موفق شد، شورش ملامحمدعلی در زنجان علیه مشروطیت را خنثی کند (Elmar, 310). پس از آرام شدن اوضاع در زنجان، به تحریک روس‌ها، اغتشاشی در تبریز رخ داد. والی تبریز با هماهنگی روس‌ها از دولت مرکزی تقاضا می‌کند تا ستارخان و باقرخان را از تبریز دور کنند، اما پیرم از این کار امتناع می‌ورزد، زیرا چنین عملی را در مقابل هم‌زمان آزادیخواه خود ناشایست می‌دانست (همان، ۳۲۰). پیرم در تبریز با ستارخان و باقرخان دیدار می‌کند و در نهایت سردار و سالار به تهران می‌روند. پیرم یک ماه در تبریز می‌ماند و در آنجا موفق می‌شود تمامی مخالفان مشروطه از جمله شاهسون‌ها که طرفدار نظام استبدادی گذشته بودند را

شکست دهد و بر اوضاع تبریز مسلط شود (مانوکیان، ۱۸۹-۱۸۸).

۲- واقعه پارک اتابک و حوادث ناخواسته

پیرم پس از فائق آمدن بر یک سری از مشکلات، با اصرار حزب تصمیم به استعفا و کناره‌گیری از امور دولتی و خروج از کشور می‌گیرد، اما با درخواست‌های مکرر از طرف بعضی از آزادیخواهان و مقامات دولتی، برای برقراری اصول مشروطیت و آرمان‌های آن، از تصمیم خود صرف‌نظر کرده و به ماندن رضایت می‌دهد (مانوکیان، ۱۹۲). در همین اوضاع و احوال بعضی از مجاهدین آزادیخواه برای به اجرا درآمدن اصول مشروطیت همچنان به فعالیت‌های خود ادامه دادند. مجاهدین در پارک اتابک تجمعی به راه انداختند؛ از این‌رو دولت از آزادیخواهان می‌خواهد که سلاح‌های خود را زمین بگذارند. دولت همچنین پیشنهاد خرید سلاح از مجاهدین را می‌دهد (جلالی، ۱۶۰-۱۵۹). ستارخان و باقرخان به‌رغم توافق اولیه بر سر استرداد تفنگ‌ها، اما به خاطر بعضی از مسائل همچون تبعیض در برخورد با مجاهدین و توافق بر سر قیمت تفنگ‌ها، پایشان به پارک اتابک باز می‌شود (ملک‌زاده، ۸۷۳). در پی تجمع، کم‌کم ناآرامی‌هایی شکل می‌گیرد، پیرم به مجاهدین ۴۸ ساعت فرصت می‌دهد تا سلاح‌ها را تحویل دهند (جلالی، ۱۹۲). با آشفته‌تر شدن اوضاع بعضی دیگر از نظامیان به دستور رجال سیاسی بدون در نظر گرفتن فرصت ۴۸ ساعته اقدام به تیراندازی می‌کنند. پیرم به ناچار پارک اتابک را محاصره می‌کند و درگیری بین نیروهای دو طرف رخ می‌دهد. ستارخان از فردی نامشخص مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و زخمی می‌شود. پس از آن نیروهای تحت امر پیرم، مجاهدین را خلع سلاح و راهی زندان می‌کنند و پیرم اوضاع را به گونه‌ای مدیریت می‌کند که کمترین آسیب به مجاهدین وارد شود. پیرم درباره حادته پارک اتابک می‌نویسد؛ این پیش‌آمد شوم حادثه‌ای ناخواسته بود که با دخالت دست‌های پنهان به وقوع پیوست (Elmar, 350-380). میان پیرم و ستارخان هیچ دشمنی وجود نداشت و پیرم تمام تلاش خود را به کار بست تا این حادثه که دولت روسیه در آن نقش داشت، به وجود نیاید. ماجرای پارک اتابک، یکی از تلخ‌ترین

حوادث مشروطیت بود (مانوکیان، ۱۹۱-۱۹۰).

۳- فرجام کار پیرم و قطع همکاری داشناکسوتیون با مشروطه‌خواهان

حوادث پیش‌گفته، باعث خستگی پیرم شد، با این حال تا شکست کامل مستبدان و گروه‌های طرفدار محمدعلی شاه هنوز راه زیادی باقی مانده بود. محمدعلی شاه در ترکمن صحرا بود و قصد داشت با جمع‌آوری نیرو به تخت سلطنت برگردد (مانوکیان، ۲۰۰). در تبریز نیز از سال ۱۲۸۷ در مخالفت با اولتیماتوم روسیه، یکی از نزدیکان پیرم به نام «پترس»^۱ از خود رشادت‌های بسیاری نشان داد، اما سرانجام با پذیرش اولتیماتوم و برتری نیروهای روسی، پترس توسط روس‌ها دستگیر و اعدام شد (کسروی، ۳۵۷-۳۵۶). پیرم برای فروکش کردن تحرکات ضد مشروطیت شاه مخلوع، یک گروه از مجاهدان زبده را به فرماندهی آسلان (اصلان)^۲ به مازنداران اعزام کرد. نیروهای پیرم با اقتدار شهرهای بارفروش و ساری و کل مازندران را تصرف کردند و شاه مخلوع نیز سراسیمه به گرازنادف روسیه فرار کرد (آلیک، ش ۲۴۱۰۷: ۳). پس از فرار شاه، آخرین امید نظام دیکتاتوری سابق به سالارالدوله، برادر شاه دوخته شد که از طرف غرب با جمع‌آوری نیروهای خوانین کرمانشاه و همدان به طرف پایتخت حرکت می‌کرد. این بار نیز پیرم با دلیری به جنگ با دشمن شتافت اما گویا در این جنگ مقدر بود چراغ رهبر آزاداندیشان مشروطه به فروغ بگرود (مانوکیان، ۲۱۰). در روز ۶ مه ۱۹۱۲ در جنگی در روستای بهار از توابع همدان، وقتی یکی از هم‌زمان پیرم توسط نیروهای سالارالدوله زخمی می‌شود و پیرم به نجات او می‌شتابد، خود نیز مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و در راه خدمت به میهن کشته می‌شود (آلیک، ش ۲۴۱۰۹، ۵). با مرگ پیرم حزب داشناکسوتیون همکاری خود با مشروطه‌خواهان را به پایان می‌رساند و با شروع جنگ جهانی نیروهای خود را از ایران به جبهه‌های جنگ ارمنستان می‌برد. به این ترتیب رهبران برجسته حزب داشناکسوتیون صحنه مشروطیت ایران را ترک می‌کنند (مانوکیان، ۲۱۲).

نتیجه

گروه‌های مهاجر ارمنی قفقاز که در تشکیلات احزاب سیاسی چون داشناکسوتیون فعال بودند با ورود به ایران، توانستند از طریق روشنگری سیاسی بر آحاد مردم وطن پرست و آزادیخواه ایران تأثیر گذاشته و در تأسیس و راه‌اندازی احزاب سوسیال دموکرات ایران و ارتباط آنها با سوسیالیسم جهانی نقش میانجی و هم‌آهنگ کننده داشته باشند. ارامنه عضو حزب داشناکسوتیون از طریق ارتباط با دیگر احزاب آزادیخواه اروپایی و همچنین روابط گسترده این شبکه با مرزهای خارج از کشور باعث شدند تا صدای انقلاب ایران از محدوده جغرافیایی این کشور فراتر رفته و به گوش اروپاییان برسد. حزب داشناکسوتیون از طریق این ارتباطات، علاوه بر انتقال تجارب حزبی، سیاسی و نظامی، توانست منابع مالی احزاب در ایران را از طریق اعانات و مساعدت‌ها برای تأمین تسلیحات نظامی برآورده کند. انقلاب مشروطیت موجب اتحاد دو ملت ارمنی و ایرانی شده بود. مساعدت و همیاری ارامنه مقیم ایران با ارامنه مهاجر قفقاز در تحکیم روابط بین این دو ملت تأثیرگذار بوده‌است. در این رویداد تاریخی، ارامنه و حزب داشناکسوتیون نیز به دنبال دستاوردهایی بودند. حزب داشناکسوتیون با ایدئولوژی ملی گرایانه و سوسیالیسم که سوسیالیسم آن بیشتر رنگ و بوی وطنی و ملی داشت، توانست با احزاب ملی‌گرای ایران، که اهداف ضد استعماری داشتند ارتباط برقرار کرده و در یک صف قرار گیرند. به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌ها بعد از استقرار مشروطیت، از جمله اهدافی بود که حزب داشناکسوتیون و ارامنه به آن رسیدند. اما اهدافی مانند تسهیل ورود نیروهای ارمنی از طریق آذربایجان به استان واسپوراکان در ارمنستان غربی در رویارویی با دولت عثمانی، که می‌بایست از برکات مشروطیت برای ارامنه فراهم می‌شد، به وقوع نپیوست. بعد از انقلاب مشروطیت برخی از گروه‌های سیاسی با حمایت روسیه و انگلستان به دنبال تخریب چهره‌های سرشناس و تأثیرگذار حزب داشناکسوتیون از جمله پیرم بودند. آنها تلاش کردند تا چهره‌های تأثیرگذار در مشروطیت را توسط دیگر کنشگران مشروطیت از صحنه خارج کنند.

منابع

- اوهانیان، طاووس، افکار و اندیشه‌ها، تهران، انتشارات نائیری، ۱۳۸۷ ش.
- آلیک، تهران، شماره، ۲۴۱۰۶، ۱۴۰۰ ش.
- آلیک، تهران، شماره، ۲۴۱۰۷، ۱۴۰۰ ش.
- آلیک، تهران، شماره، ۲۴۱۰۹، ۱۴۰۰ ش.
- آموریان، آندره حماسه پیرم، به کوشش هریر خالاتیان، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۵۴ ش.
- تکمیل همایون، ناصر، مشروطه‌خواهی ایرانیان، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۴ ش.
- جلالی، سید سعید، ارامنه و انقلاب مشروطیت ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲ ش.
- حایری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
- راین، اسماعیل، پیرم‌خان سردار، تهران، انتشارات تحقیق راین، ۱۳۵۵ ش.
- روزنامه ایران نو، تهران، شماره ۳۴، ۱۲۸۰ ش.
- روزنامه نسیم شمال، تهران، سال اول، شماره ۲۳-۲۲، ۱۳۲۷ ش.
- زرگری نژاد، غلام‌حسین، رسائل مشروطیت، تهران، نشر کویر، ۱۳۷۴ ش.
- سازمان اسناد ملی ایران، تهران، انتشارات شهربانی کل، شماره ۲۵۳۱۰۲۹۳۰، ۱۳۵۵ ش.
- فتحی، مریم، کانون بانوان تهران، تهران، موسسه مطالعه تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۳ ش.
- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷ ش.
- مانوکیان، آرپی، حزب داشناک و جریان نهضت مشروطه، تهران، انتشارات رامرنگ، ۱۳۸۹ ش.
- مزینانی، سید محمدرضا، «ارامنه و انقلاب مشروطه ایران»، تهران، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۸۷، سال بیستم، ۱۳۹۵ ش.
- ملک‌زاده، مهدی، تاریخ مشروطیت ایران، تهران، علمی، ۱۳۷۱ ش.
- نوایی، عبدالحسین، فتح تهران، تهران، انتشارات بابک، ۲۵۳۶ ش.
- هدایت، رضاقلی خان، خاطرات و خطرات، تهران، نشر چشمه، ۱۳۴۴ ش.
- بربریان، حوری، ارامنه و انقلاب مشروطه ایران (۱۲۹۱-۱۲۸۵) عشق به وطن سرزمین نمی‌شناسد، ترجمه سامیه جرفی و حیسن علی‌پناه، تهران، انتشارات شیرازه، ۱۳۹۷ ش.

- خرابی، فاروق، انجمن‌های عصر مشروطه، تهران، موسسه تحقیقات و علوم انسانی، ۱۳۸۶ش.
- خانلری، کارن، ارمنیان، «پیرم و انقلاب مشروطه»، تهران، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۸۷، سال بیستم، ۱۳۹۵ش.
- طبری، علی، «معرفی و بررسی سندی نویافته از حزب داشناکسوتیون»، تهران، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۸۷، سال بیستم، ۱۳۹۵ش.
- نیکوقوسیان، آرمیک، «همکاری ارمنیان با مشروطه‌خواهان ایرانی از نگاه هراچیک سیمونیان»، تهران، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۸۷، سال بیستم، ۱۳۹۵ش.
- ورهرام، غلامرضا، نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی در عصر قاجار، تهران، انتشارات معین، ۱۳۸۳ش.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱ش.

- Elmar, H., *Yeprem*, Tehran, Modern Edition, 1964.
- Simonian H., *Haiots Badmootun*, Erevan, University Edition, 2012.
- Varandian, Michael, *Hai H. Dashnaksootian Badmootun*, Tehran, Alik Edition, 1981.
- Vratsian, Simon, *Haiasdani Hanrabadutun*, Tehran, Alik Edition, 1982.